

بهترین انتخاب؛ ولایت علی (ع)

مؤلف

امام محمد علی معتصم

مترجمان

فاطمه زهرا قربانیان

نجمه محیایی

سرشناسه

:ام محمد علی معتصم

عنوان قراردادی

:من حقی ان اکون شیعیة فارسی

عنوان و نام پدیدآور

:بهترین انتخاب، ولایت علی (ع)/مؤلف ام محمد علی معتصم؛

مترجمان نجمه محیایی، فاطمه زهرا قربانیان؛ ویراستار علمی و

ادبی احمد محمدی نژاد پاشاکی.

مشخصات نشر

:قم: عصر آگاهی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری

:۱۲۸ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵سم.

شابک

:۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۸۹-۶۵-۶

وضعیت فهرست

:فیا

نویسی

موضوع

:تازمکیشان شیعی

موضوع

:شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

شناسه افزوده

:محیایی، نجمه، ۱۳۶۷، مترجم

شناسه افزوده

:قربانیان، فاطمه زهرا، ۱۳۶۵، مترجم

رده بندی کنگره

:۳۶۵ (۸۰۴م الف/۲۳۹BP)

رده بندی دیویی

:۹۷/۱

شماره کتابشناسی ملی

:۲۰۱۵۲۵۸



بهترین انتخاب؛ ولایت علی (ع)

مؤلف: ام محمد علی معتصم

مترجمان: نجمه محیایی، فاطمه زهرا قربانیان

ویراستار علمی و ادبی: احمد محمدی نژاد پاشاکی

ناشر: انتشارات عصر آگاهی

تاریخ و نوبت چاپ: ۱۳۹۵- چاپ اول

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

فهرست

صفحه	عناوین
۹.....	مقدمه مترجمان
۱۱.....	مقدمه
۱۵.....	فصل اول
۱۷.....	آزادی اندیشه، زن، تقابل
۱۹.....	آیا زن پیرو دین همسر است؟
۲۴.....	فرهنگ تفکر، زن، فشار فرهنگی
۲۶.....	اصالتاً هاشمی بودم
۲۹.....	گامهای ابتدایی
۳۲.....	تفاوت دو اصل: زن، حقوق زن در کار
۳۶.....	میان درد تردید و فریب وجدان
۴۲.....	آغاز راه
۴۴.....	تشیع درب خانه‌ی ما را زد
۴۶.....	شیعیان کیستند
۵۳.....	فصل دوم
۵۵.....	خلافت و جانشینی؛ انتساب یا مشورت
۵۹.....	مشورت کردن راه چاره است
۶۱.....	ابوبکر خلیفه ای است که از سوی رسول خدا(ص) تعیین شد
۶۲.....	استدلال به آیات شوری صحیح نیست
۶۷.....	اختلاف امت من (نوعی) رحمت است
۶۹.....	دموکراسی؛ اصلی اسلامی و خردمندان

۷۰	دموکراسی در جوامع قبیله ای جایی نداشت
۷۴	اتفاق نظر صحابه بر خلافت ابوبکر
۷۵	بیعت ابوبکر با علی(ع) در این وضعیت کفایت می کند
۷۸	حوادث سقیفه ی بنی ساعده
۸۰	علی(ع) با حق بود و حق با علی(ع)
۸۴	مشورت کردن در چارچوب واقعیت عملی
۸۵	عدالت صحابه
۹۴	بیعت علی(ع) با ابوبکر
۹۹	امامت علی(ع) اختیاری است نه اجباری
۱۰۴	دلیل آوری بانو دو عالم فاطمه زهرا(س)
۱۱۲	مسح پاها بر وضو
۱۱۴	دروغ بودن مذاهب چهارگانه
۱۱۹	شعائر حسینی
۱۲۵	حسین(ع)، اشک جاری

مقدمه مترجمان

این کتاب در ابتدا به جایگاه زن و اندیشه و عقیده وی می‌پردازد و بحث با سؤالی مطرح می‌شود که چه کسی تمام ادعاهایی را که پاسخ گوی تمام خواسته‌های زن باشد مشخص می‌کند؛ در حالی که اصلاً به فریاد حق‌طلبانه‌ی زن در انتخاب دین و مذهب گوش داده نمی‌شود؟

با اشاره‌ای کوتاه و گذرا به تاریخ تمدن و تفکر زن، در می‌یابیم که نمی‌توان تأثیرات جامعه و خوارهای زن را نادیده گرفت و در نتیجه اگر الگویی هم وجود داشته باشد محدود است و بنابراین عمومیت ندارد که بتوان آن را ملاک و معیار قرار داد و نکته‌ی حائز اهمیت این است که در طول تاریخ؛ «زنان بر کیش همسران خود می‌باشند».

بنابراین حقوق زن در این نوع تفکر و اندیشه‌ی در محافل اسلامی مطرح می‌شود، لذا هرگاه زن در لباس، کار و حتی تمام نحوه زندگی با مرد شریک شود با او یکسان نیست ولی دارای حقوقی برابر است. این حقوق امری فطری و ضرورتی عقلانی می‌باشد بدین سان قرآن زن و مرد را به یک صورت مورد خطاب قرار می‌دهد و به زن همچون مرد احترام ویژه می‌گذارد.

در نتیجه صرف نظر از این ویژگی‌ها، مقایسه امکان پذیر نیست لذا ادعاهای مبنی بر برتری مرد بر زن یا بالعکس بی‌اساس و بدون پایه‌ی علمی هستند چراکه مرد موجودی است با خصوصیات ذاتی خود، و زن نیز ویژگی‌های مربوط به خودش را دارا است که هرکدام دارای چارچوب مشخص با قوانین و مفاهیم ویژه

هستند و درهم آمیختن این معیارها با هم اشتباه است و مسلماً نتیجه‌ی اشتباه در پی دارد.

کتاب حاضر، به داستان دختری اشاره می‌کند که در دل تاریکی و ظلمت جهل بود و با برگزیدن دین شیعه، توانست به نور و هدایت راستین رهنمون گردد. با خوانش این کتاب، صفحات پر فراز و نشیب تاریخ اسلام، را از جنبه‌ای دیگر، ورق می‌زنیم و دردهای نهفته‌ی خاندان بنی‌هاشم را احساس می‌کنیم.

مترجمان

www.ketab.ir

یکی از بزرگترین تهدیداتی که جامعه‌ی اسلامی بعد از وفات پیامبر اکرم (ص) با آن روبرو شد بحران حکومت و خلافت بود. از آنجاکه این بحران نمایانگر رواج عملی اسلام بود از این رو گفته شده؛ تعداد جنگ‌هایی که بر سر خلافت رخ داد بیشتر از جنگ‌هایی بود که برای پیشرفت اسلام انجام شد، به عبارت دیگر خون‌هایی که بعد از وفات رسول اکرم (ص) ریخته شد و تمام جنگ‌ها و غزوات مثل جنگ جمل، صفین، نهروان، جنگ‌های متفرقه و شورش‌های محلی دیگر بر سر حکومت و خلافت بود و این رویداد تاریخی (وفات پیامبر (ص)) همچنان زندگی ما را به اشکال گوناگون مثل اختلافات قومی-مذهبی، تحت شعاع خود قرار داد حال آنکه صدها نوشته و کتاب سعی دارند تا ریشه‌های بحران حکومت و خلافت بویژه مسأله‌ی شیعه و سنی را از دیدگاه اسلام بررسی کنند، چراکه اختلافات اساسی میان آن دو مذهب، همواره باعث مناقشات مذهبی میان آنها شده است.

به نظر من صرف داشتن این ایده برای از بین بردن شکافی که آن حوادث به وسعتش دامن زدند کافی نیست و تنها نیاز به یک سلسله مقدمات فرهنگی-روانی احساس می‌شود که تمام عوامل اختلاف را با توجه به دیدگاه قرآنی بررسی نماید. مهم نیست که جامعه به نام اسلام حکم صادر کند؛ مهم این است که اسلام در جامعه

حکومت کند که در این حالت اختلاف چشمگیری میان سیاست ارزش و ارزش سیاست نهفته است، که در اولی (یعنی سیاست ارزش) حکومت اسلام با مجموعه ای از ارزش‌هایش متجلی می‌شود و در دومی (یعنی ارزش سیاست) ارزش‌های جاهلی به نام اسلام حکومت می‌کند لذا بین گرفتن حق بعنوان وسیله و مقصد، و بین هدف که وسیله را توجیه می‌کند تفاوتی است که تفاوت بین خواسته‌ی اسلام و خواسته‌ی ما در آن متجلی می‌شود و تفاوت میان این دو خواسته در واقع همان ریشه‌ی مشکلاتی است که جامعه‌ی اسلامی در چارچوب معرفتی-عملی با آن روبرو است. و نتیجه‌ی آن در زمینه‌ی معرفتی؛ اختلاف مذهبی می‌باشد که جامعه را به مکاتب گوناگون تبدیل کرد، آنگاه مردم خواسته‌های خود را در ترسیم نوعی معرفت دخالت دادند که با اسلام مطبق شد؛ مثل معتزله، اشاعره، مرجئه، قدریه، حنبله و غیره که تمام این‌ها تلاشی برای درک اسلام محسوب می‌شود، درحالی‌که همه‌ی این تلاش‌ها محدودند و خواسته‌ها، تمایلات و شرایط جسمی و روحی انسان بر آنها غلبه دارد. این در حالی است که مشیت الهی در یک مسیر کاملاً معین قرار دارد که چندگانگی معرفتی ندارد: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ «دین نزد خداوند، اسلام است».

اما در بُعد عملی و تطبیق خارجی مثالی روشن و واضح در زمینه‌ی تفاوت اراده و خواست خداوند و اراده‌ی بشر وجود دارد و آن تلاش امت در تعیین جانشینان پیامبر اکرم (ص) بعنوان رهبران جامعه بدون دخالت خواست خداوند و انتخاب اهل بیت (ع) می‌باشد، در نتیجه بی‌توجهی جامعه نسبت به شواهد دال بر امامت اهل بیت (ع)^(۴)

^۱ - سورة آل عمران، آیه ۱۹

درحقیقت به معنای بی‌توجهی به خواسته و دستور الهی می‌باشد، بر همین اساس مغایرتِ دو اراده (یعنی خواست خداوند و خواسته‌ی بشر) بیانگر حدّ فاصل میان اسلام خدا و اسلام بشر است. ﴿إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾^۲ «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد) هنگامی که خدا و پیامبرش فرمانی را صادر کنند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) در کار خود داشته باشد. و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند به گمراهی آشکار گرفتار شده است». این مسأله متکی بر سلب اراده‌ی انسان نیست و فقط حدّ برز اراده‌ی او را مشخص می‌کند که با اراده‌ی الهی همخوانی دارد. در واقع حقیقت اسلام همان تسلیم شدن می‌باشد یعنی اراده‌ی انسان در مسیر راده‌ی الهی قرار دارد.

در این هنگام آزادی اراده، من کفر و ایمان منحصر می‌شود و بعد از ایمان، اراده‌ی فردی و گروهی با اراده‌ی الهی ره می‌خورد و اگر ابلاغ و رسالتی برای یکتا پرستی جامعه و عمل بر اساس پایه‌های عالمی وجود داشته باشد که شناخت دینی ما براساس آن شکل گرفته باشد؛ به ناچار این جامعه باید در مسیر اراده‌ی الهی و به دور از اراده‌ی ضعیف فردی زندگی کند تا بتواند مسؤولیت پذیر باشد: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۳ «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» و برای این‌که از طریق محور قرار دادن انسان نسبت به نفس (آماره)، خودخواهی و خودشیفتگی‌اش با آن موانع روبرو شویم باید

^۲ - سوره احزاب، آیه ۳۶

^۳ - سوره رعد، آیه ۱۱

ارزش‌های نفس را از بین ببریم تا به ارزش‌های الهی آراسته شویم، از هوی و هوس به حقیقت، از دنیا به آخرت، و از تسلیم شدن در برابر سنت‌های موروثی به تسلیم در برابر خداوند برسیم.

لذا صرف ادّعی پذیرش اسلام از سوی انسان کفایت نمی‌کند تا اسلام در او راه پیدا کند بلکه مهم این است که فرد با اسلام عجین شود و برای تغییر ذات افراد جامعه باید فریادها ادامه داشته باشد تا جایی که شیوه‌ها و ابزارهای سنتی معرفت تغییر یابد و مآزهای تفکر ساختگی را معین کنیم.

این دیدگاه باید در بررسی بسیاری از مسائل مورد اختلاف سرآمد باشد، چنانچه انسان در مطالعات و تحقیقات خود از اراده و دستور خداوند چشم پوشی کند با موانع بسیاری روبرو می‌شود که می‌تواند بین او و شناخت حقیقی‌اش فاصله ایجاد می‌کند.

این کتاب، حکایت فرزندی پرورده در دل تاریک شب و ظلمت جهل است که در میان شیعیان زیست و اسوه‌ی صبر و عداکاری در میان محبت اهل بیت^(ع) است، در حالی که صفحات سیاه تاریخ را ورق می‌زدیم با او در دنیا را احساس می‌کردم تا اینکه نور را دیدم، حقیقت را کشف کردم و آنجا بود که سهولت هدایت را دریافتم و آنگاه که با شکیبایی، مواعظ و صلابت عقیده‌ی بنی هاشم‌زین کبری و دختر امام علی^(ع) - قهرمان کربلاء و یاور امام حسین^(ع) همراه شدم، شیرینی زندگی در ساحت تشیع را چشیدم و نزد او، بیش از پیش شمیم خوش هدایت را احساس کردم و در کنار او هر روز از نور وجودش پرتو تازه‌ای برگرفتم و از سرچشمه‌ی علوم و معارف‌شان در زمینه‌های دینی سیراب می‌شوم.